سادگی و روانی زبان فارسی

امیرمعز، علی رضا

شهرت دارد که زبان انگلیسی ساده‏ترین زبانهای دنیاست و این تا اندازه‏ای دربارهء صرف افعال صحت دارد.

در این یادداشت کوتاه میخواهیم مواردی را که زبان فارسی ساده‏تر از زبانهای دیگر است بررسی کنیم.

در بیشتر زبانها رسم است که دو یا چند علامت جمع بکار میبرند، مثلا در انگلیسی،فرانسه،اسپانیولی و زبانهای دیگر میگویند«پنج‏ اسبان» (Five horses) ، (Cinq Chevaux) ، (Cinco Caballos) و....البته اگر حرف تعریف یا صفتی همراه‏ اسم باشد علامت جمع در آنها نیز بکار میرود.

بیشتر اوقاتẓSẒرا در زبان اسپانیولی تلفظ نمیکنند و این ربطی به‏ پایان کلمه ندارد.البته در زبان فرانسه باید دستور زبان بلندبالائی یاد گرفت تا بتوان حروفی که خوانده نمیشوند نوشت.

در زبان فارسی مؤنث و مذکر وجود ندارد و این زبانرا بسیار ساده‏ میکند.البته زبان انگلیسی از زبانهای دیگر اروپائی پیش افتاده است

چون مذکر و مؤنث تنها در مورد حقیقی آن بکار میرود.بارها نبودن‏ مؤنث و مذکر را در زبان فارسی بعنوان تساوی زن و مرد در ایران برخ‏ دیگران کشیده‏ام و این عدم لزوم مؤنث و مذکر را استوار میکند.

در اضافه و صفت و موصوف زبان فارسی به بیشتر زبانها ارجحیت دارد. مثلا به فارسی میگوئیم:«کتاب بزرگ»یا«کتاب حسن»و این قاعده‏ همیشه پیروی میشود.در زبان فرانسه باید،چه موقع صفت قبل از اسم می‏ آید و چه وقت اسم پیش از صفت،را حفظ کرد.

زبان اسپانیولی بعلت ترجمه اخبار از انگلیسی تحت نفوذ این زبان‏ رفته است.اغلب دیده میشود که صفت را قبل از اسم میآورند و این از نظر دستور زبان اسپانیولی اگر غلط نباشد،نارساست.

اکنون کمی از آنچه زبان فارسی را دشوار کرده است گفتگو میکنیم:

میتوان گفت که یا تمام افعال فارسی بیقاعده‏اند یا باید برای هرفعل‏ دو مصدر بخاطر سپرد.فعل ماضی را با حذف«ن»از مصدر میسازیم.مثلا از«رفتن»کلمه«رفت»بدست میآید که سوم‏شخص مفرد است.البته با صرف‏ آن سر خوانندگانرا بدرد نمیآوریم.

مضارع این فعل ربطی زیاد بکلمه«رفتن»ندارد،مگر بگوئیم«روش» اسم مصدر یا مصدر دوم این فعل است و با حذف«ش»و اضافه«می»به آغاز آن‏ مضارع بسازیم.البته صرف آن میشود«میروم،میرومد،...»این امر در زبان فارسی چنان ریشه کرده است که عوض کردن آن بسیار دشوار بلکه‏ محال است.

از زبان بچه‏ها میتوان صرف افعال را در زبانها ساده کرد و این با بکار بردن زمان و ضمیر انجام میگیرد.بعنوان مثال فعل«رفتن»یا مصدر مرخم‏ آن«رفت»را بکار میبریم:

بجای(دیروز رفتید دانشگاه)میگوئیم(شما دیروز«رفت»دانشگاه) بجای(الان میروم)میگوئیم(من الان رفت)،بجای(فردا خواهم رفت)

میگوئیم(من فردا رفت.).

البته دشواریهای زیاد در این اصطلاحات پیش میآید و مواردی در زبان‏ موجود است که با گذشته و حال و آینده ربطی ندارد چون فکر بشر موضوعیست بغرنج و پیچیده.ولی گاهی این پیشنهاد کمکی بخارجی‏ها می‏ کند که با دانستن مختصری از زبان بتواند در کشوری بیگانه رفع احتیاج کند.

با اینکه خط فارسی فقط سه حرف صدادار دارد،باز نوشتن آن اگر لغات شکل عربی در آن نبود،بسیار ساده است،سالها وقت بچه بیچاره بهدر میرود که هجاء لغت‏های انگلیسی را یاد بگیرد.

حتی صاحبان تصدیقنامه مافوق عالی و دکترا برای املاء بعضی از لغات‏ معمولی باید بکتاب لغت مراجعه کنند.زبان اسپانیولی که افتخار دارد که‏ نوشتی آن کاملا مثل حرف زدن آن است بهمین بلا مبتلاست.بنابراین اگر لغات عربی و ترکی در فارسی کم شود،نوشتن آن بسیار آسان میشود.

آنچه در این مقاله مختصر بعرض رسید نمونه‏ای از موضوع است. شاید که این سبب شود عالمی پرمایه این مطلب را بسط دهد و تحقیق کاملی‏ در آن بکند.مثلا حرف تعریف را که در بیشتر زبانها وجود دارد که بحقیقت‏ بیجاست مورد مطالعه قرار دهد.از اینرو سخن را بهمین جا بپایان میرسانیم‏ و بررسی آینده را بخوانندگان واگذار میکنم.

سرود رسمی اروپا

کمیته دائمی پارلمان اروپا که جلسه اخیرش در برلن غربی تشکیل‏ شد،«چکامه شادی»از سمفونی نهم بتهوون را سرود رسمی اروپا اعلام کرد، در آینده این سرود بهمراه سرود ملی هریک از 17 کشور عضو پارلمان اروپا، در همه مراسم اروپائی نواخته خواهد شد.